

مطالعه تطبیقی کاشی کاری اسلامی در ایران و آسیای صغیر

رقیه سلطانی لشکناری: دانشجوی دکترای باستان‌شناسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران

roghiyeh.soltani@yahoo.com

جعفر جودکی: دانشجوی دکترای باستان‌شناسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران

چکیده

در میان بخش‌های گوناگون تمدن اسلامی چون علوم، صنایع، نظامات، آداب و رسوم و اعتقادات، هنر اسلامی از همه ملموس‌تر، پرجاذبه‌تر و ماندگارتر است. این هنر چون شاخه‌های دیگر تمدن اسلامی از میراث هنری تمدن‌های مختلف پیش از خود بهره‌جسته و اقوام مختلف در آن نقش ایفا کرده، و در سطح جغرافیایی بسیار دامنه‌داری پدیدار شده است. تنوع و چگونگی هنر اسلامی از ویژگی‌های برجسته این هنر دیرپا و پرشکوه است که بی‌شک نشانه نبوغ، آفرینش‌گری و سلیقه سلیم آفرینندگان آن است. پر واضح است که بررسی تمام جنبه‌های این هنر شگفت و خیال‌انگیز در یک مقال هرگز نمی‌گنجد چرا که دریا را چون می‌توان در کوزه‌ای جای داد؟ به هر تقدیر هنر اسلامی بخشی از وضعیتی عام بود که با ظهور اسلام در تاریخ هنر جهانی پا گشود. هدف از انجام این تحقیق آشنایی با هنر کاشی کاری اسلامی در ایران و تطبیق آن با همتای آن در آسیای صغیر می‌باشد. بنابراین با استفاده از مقالات و کتب مختلف و به روش کتابخانه‌ای مطالعه‌ای توصیفی را انجام داده و نتیجه مطالعات حاکی از تفاوت‌ها و تشابهات متفاوت در سبک و سیاق معماری اسلامی با آسیای صغیر در نمونه مورد بررسی یعنی کاشی کاری می‌باشد.

کلمات کلیدی: کاشی کاری، هنر معماری، معماری اسلامی، ایران، آسیای صغیر

Archive of SID

مقدمه

ایران در مرز میانه گرایش‌های شدید مذهبی و باورهای تاریخی و فرهنگی و آیینی از یک سو و مختصات نظم پذیری و بریدن از هستی‌شناسی به شیوه کهن و روی‌آوری به معرفت‌شناسی^۱ از طریق عقل محوری خود بنیان ابزار ساز جهان مدرن از سویی دیگر، قرار گرفته است که در آن حتی بازگشت مجدد به اسطوره‌ها و مناسک آیینی از دیدگاه عقلی و کاربردی صورت می‌گیرد و از ابعاد ایمانی و اعتقادی تهی است.

اینک جهان غیر غربی به علت فاصله شدید از تولیدات فکری و مادی جهان غرب؛ و در عین حال وابستگی گریز ناپذیر به آن‌ها؛ چاره‌ای ندارد جز یافتن راه حلی که بتواند به صورتی فراگیر، تمامی جنبه‌های دخیل در آنچه را خواسته یا ناخواسته معروض سيطرة آن قرار گرفته است، در بر گیرد تا بدین طریق امکان ارتباط با جهان خارج از خود را داشته باشد. از طرف دیگر جهان غرب نیز در خلا معنایی حاضر، گریزی جز شناخت فرهنگ‌های دیگر کشورهای جهانی ارتباط با آن‌ها به منظور ادامه حیات خود نمی‌یابد.

بر این مبنا به نظر می‌رسد که راه حل منطقی این باشد که در عین توجه به درد فرهنگ عرفانی و دینی و ابلاغ پیام آن در صورت‌های هماهنگ با دیدگاه‌های امروز و تکنیک‌ها و دستاوردهای جدید شکلی ویژه از تلفیق مؤلفه‌های پدید آورنده عرضه گردد؛ به گونه‌ای که صورت زیبای برآمده از عناصر زمانی، ظرفیت پذیرش معنای ژرف و گسترده بی‌زمان را در خود بیابد.

در شکل‌گیری معماری ایران، نظر، جهان‌بینی و تفکر ارتباط بسیار نزدیک با فضا داشته است. این امر ممکن است در مرحله اول جستجوگر حل مسائل جوی و اقلیمی بوده باشد ولی در مراحل تکمیلی، ذهنیتی مشهود است که در آن کلیه تحولات عقلانی و تخیلات معنوی نفوذ کرده‌اند. همان‌گونه که پیوند نگاه به دنیا و زندگی در جوش مکان‌ها و فضاها در تمامی ساختمان‌های معماری سنتی به چشم می‌خورد.

در مطالعه معماری ایرانی و استخراج مفاهیم، مبانی و ویژگی‌های آن کاملاً روشن است که اساس و شالوده اصلی آن در فلسفه وجودی این سرزمین بوده است و در نتیجه، مطالعه آن بدون عمیق شدن در مسائل اجتماعی، فرهنگی، دینی و ادبی ناممکن است و روش تطبیقی رفت و برگشتی بین قالب (صورت) و فلسفه اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. دشواری این تحلیل از همین جا آغاز می‌شود. چرا که کالبد همیشه قابل نقد علمی است، به ویژه هنگامی که این نقد در ارتباط با محیط فیزیکی و جغرافیایی صورت می‌گیرد. مطلب پیچیده‌تر، راز فضای فرهنگی است که بدون سفر عاشقانه در ژرفای انتزاعی و معنوی آن به دست نمی‌آید. تمام معماری‌های برجسته جهان رازی دارند که فقط با چشم دل می‌توان به آن راه یافت. در ایران این نگرش عاطفی هنگامی حاصل می‌شود که تعادل و پیوندهای محیطی و معنوی انسان با استحکام و تعادلی مطلوب برپا شده باشد.

تاریخچه هنر کاشی کاری در ایران

تلاش اولیه هنرمندان کاشی کار در جهت به کارگیری این هنر در معماری مذهبی بوده، هر چند که کاشی کاری را نباید صرفاً هنری قدسی به شمار آورد، چرا که نمونه‌های آن در بناهای غیر دینی، از جمله در تپه باباجان لرستان مربوط به دوره مادها و در کاخ هخامنشیان در شوش به دست آمده است. در دوره اسلامی، ایرانیان تا پیش از رواج کاشی کاری، بناهای خود را با نقاشی و رنگ تزئین می‌کردند. این نقاشی‌ها از گل و بته، منظره و... تجاوز نمی‌کرد. نقاشی روی دیوار تا قرن چهارم ه.ق ادامه یافت اما در این دوران رفته رفته کاشی کاری جای آن را گرفت و نقش مهمی در معماری ایران پیدا کرد (ماهر النقش، ۱۳۶۲، ۹۰). طی دوره سلجوقی در بیشتر بناها از آجرکاری با نقش‌های متنوع بهره می‌بردند و در اواخر این دوره به دلیل پر هزینه و وقت بر بودن آجرکاری، کاشی کاری کم‌کم جای آجر را می‌گیرد و تکامل بسیار می‌یابد. مطالعه در سفال و کاشی و لعاب دوره سلجوقیان، نمودار ذوق و سلیقه فوق‌العاده هنرمندان آن عصر در این فن زیبا است.

همزمان با ورود سلجوقیان به ایران و شروع حکمرانی آنان، بناهای آرامگاهی نیز رشد بی‌سابقه و چشمگیری می‌یابد؛ شمار مساجد که تا قبل از این، بیشترین حجم معماری را تشکیل می‌داد، کم شد و تعداد مقابر و مناره‌های مربوط به آنها رو به افزایش نهاد (فریه، ۱۳۷۴: ۸۶). در این دوره بخش عمده‌ای از آرامگاه‌ها برای پادشاهان و حاکمان وقت و همچنین برای مقدسین ساخته می‌شد، مانند مقابر برجی مراغه (تصویر ۱) و آرامگاه‌های پیر علمدار (۴۱۷ ه.ق)، چهل دختران (۴۴۶ ه.ق)، برج مهماندوست (۴۹۰ ه.ق)، برج طغرل (۵۳۴ ه.ق). طبق روش اهل سنت، آرامگاه‌های ائمه اطهار (ع) به ندرت در شمار برج‌های مقبره‌ای قرار می‌گیرد (هیلن براند، ۱۳۸۳: ۲۸۲).



تصویر ۱: مراغه، گنبد سرخ، نمای سردر وردی تزئین با کاشی فیروزه‌ای

¹ epistemology

همان طور که هیلن براند نیز بدان اشاره دارد، سلاجقه، سنی مذهب بودند و نسبت به مذهب خویش تعصب داشتند؛ بررسی‌های جامعی بر بناهای آرامگاهی اثبات می‌نماید که در این دوره ساخت مقابر مربوط به ائمه اطهار در پایین‌ترین حد خود بوده است، برای نمونه می‌توان به بناهای دوازده ضلعی امامزاده اسحاق گرگان اشاره کرد (تصویر ۲) که دارای سر در کاشی‌کاری آبرنگ بوده است (عقابی، ۱۳۷۸: ۹۹). با وجود این کاشی‌کاری سلجوقی در مساجد و بناهای آرامگاهی مورد احترام سلاجقه، خود را نمایان می‌سازد. کاشی‌کاری بر بنای تدفینی سلطان سنجر در مرو، (اخیراً آن را کاخ می‌پندارند) بر روی بدنه گنبد نقش می‌بندد. در گنبد سرخ (۵۴۲ ه.ق) که قدیمی‌ترین آرامگاه مراغه است، در میان زمینه سرخ فام آجرهای بدنه مقبره، نقاط کاشی‌های فیروزه‌ای به کار گرفته می‌شود (دیباچ، ۱۳۴۵: ۸۸). و همان طور که آندره‌گدار عنوان می‌کند: «بنای گنبد سرخ مراغه مرحله‌ی مهمی از معماری اسلامی را نشان می‌دهد و آن آغاز پیدایش کاشی‌کاری در تزئین خارجی ابنیه در شمال کشور است.» (گدار، ۱۳۶۷-۴۷۵). برج مدور مراغه (۵۶۳ ه.ق) نیز که تزئینات آن شامل یک دوره پهن آجر، سفال و کاشی است، کاشی‌کاری فیروزه‌ای رنگ بروی کتیبه‌های آن به کار رفته است (حاتم، ۱۳۷۹: ۱۱۱). و در سطحی متکامل‌تر نسبت به گنبد سرخ قرار دارد.

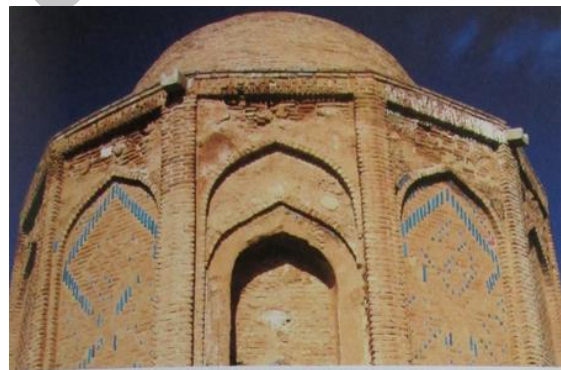


تصویر ۲: گرگان، امامزاده اسحاق، تزئینات بدنه خارجی بنا و استفاده از کاشی فیروزه‌ای (حاجی قاسمی، ۱۳۸۹)

در دوره ایلخانی کاشی‌کاری به مثابه گچبری رشد و نمو پیدا می‌کند و جزء لاینفک معماری ایلخانی می‌گردد و برای اولین بار در کل ساختمان بناها، کاشی‌کاری برای تزئین و آرایش به کار گرفته می‌شود. در گنبد سلطانیه هم در سطوح داخلی و هم در سطوح خارجی آن کاشی به کار گرفته می‌شود (ویلبر، ۱۳۶۵: ۹۱). هر چند که در همان دوره ایلخانی کاشی‌کاری نمای داخلی آن با یک لایه استر گچی پنهان می‌گردد. کاشی‌کاران دوره ایلخانی در ابتدای کار به سبک و شیوه دوره سلجوقی کار می‌کردند (تصویر ۳ و ۴)، اما به مرور زمان در این صنعت نوآوری‌هایی، هم در زمینه نقوش و هم در شیوه ساخت پدید آوردند، علاوه بر این کاشی‌هایی با نقوش انسانی، حیوانی و اشعار غیر مذهبی در بناهای مذهبی نیز رواج پیدا کرد (برند، ۱۳۸۳: ۱۲۶).



تصویر ۴: همدان، امامزاده هود، تزئینات نمای خارجی (حاجی قاسمی، ۱۳۸۹)



تصویر ۳: همدان، امامزاده هود، تزئینات نمای خارجی (حاجی قاسمی، ۱۳۸۹)

همان طور که دکتر یعقوب اتینگهاوزن اشاره می‌کند: «در دوره ایلخانیان به دلیل سیاست‌های مذهبی مغولان با نوعی آزادی عملی شیعیان اثنی عشری مواجه هستیم.» (اتینگهاوزن، ۱۳۶۵: ۳۷). آرامگاه‌های این دوره بزرگترین گروه را در بر گرفته و علت این امر، یکی توجه مردم به عارفان و صالحان مردم دوست و دیگری آزادی یافت شیعیان به دلیل تمایل برخی ایلخانان مسلمان به آیین شیعه است، از جمله الجایتو (غوری، ۱۳۷۶: ۱۴۳). بنابراین طی این دوره ساخت بناهای آرامگاهی برای امام زادگان رشد می‌یابد و به دلیل اهمیت این دسته از بناها، با انواع هنرهای اسلامی از جمله کاشی‌کاری مزین می‌شوند. کاشی‌کاری دوره ایلخانی در ارتباط کامل با امام‌زادگان بوده و به طوری که در اکثر این بناها، مهم‌ترین زینت به شمار می‌آید.

نمونه قدیمی آن در بناهای مذهبی مربوط به کاشی‌های حرم حضرت معصومه (س) است که مشتمل بر خطوط برجسته به رنگ‌های مختلف و نقوش دیگر به امضای ابی طاهر و حامل تاریخ ۶۰۲ ه.ق است. بعد آن از کاشی‌های محراب حرم حضرت رضاع) که اکنون در دارالحفاظ قرار گرفته‌اند، می‌توان نام برد که به خط ثلث برجسته نشانگر آیاتی از قرآن و امضای ابی طاهر الحسن ابوزید و بنای آن عبدالعزیز آدم بن ابی النصر قمی است و تاریخ ۶۱۲ ه.ق را دارد. در سال ۶۵۹ ه.ق نیز مجموعه‌ای از کاشی‌های ظریف و عالی به شکل ستاره و صلیب (چلیپا) برای مرقد امامزاده یحیی در ورامین تهیه شد؛ این کاشی‌های دارای طرح‌های پر برگ خلاقانه، بسیار عالی و درخشان هستند.

نقش مهمی که کاشی در دوره ایلخانی ایفا می‌کرده، مربوط به پوشش محراب‌ها می‌شده است به طوری که محراب امامزاده یحیی در ورامین به سال ۷۰۵ ه.ق، که امضای محمد بن ابی طاهر بر روی آن آمده، با کاشی زرین فام زینت داده شده است. محراب امامزاده علی بن جعفر قم با کاشی (کاشی معرق)، گچبری و نقاشی تزئین شده و تاریخی به سال ۷۳۴ ه.ق رقم عمل یوسف بن علی بن محمد بن ابی طاهر را دارد (برند، ۱۳۸۳: ۱۵۶-۱۵۱). و محراب زرین فام بقعه شیخ عبدالصمد

اصفهانی در نطنز که امروزه باید در موزه‌هایی چون موزه برلین و ویکتوریا -آلبرت لندن به سراغشان رفت. نه تنها محراب، خود ساختمان مقبره نیز طی دوره ایلخانی پوشیده از کاشی متنوع و رنگین می‌شد؛ کاشی‌کاری‌های معرق خوش رنگ امامزاده قاسم عجب شیر (قرن ۸ ه.ق) (تصویر ۵ و ۶) که امروزه تنها سردابه سنگی آن باقی مانده، شکوه کاشی‌های ایلخانی را در منطقه آذربایجان به نمایش در می‌آورد (معروفی اقدم و محمودی نسب، ۱۳۹۲: ۷). از دیگر بناها با تزئین کاشی معرق مربوط به دوره ایلخانی می‌توان به امامزاده بابا قاسم در اصفهان اشاره کرد (تصویر ۷).



تصویر ۶: مراغه، امامزاده قاسم عجب شیر



تصویر ۵: مراغه، امامزاده قاسم عجب شیر

نمونه‌های دیگر کاشی‌کاری معرق را در درون آرامگاه آیش خاتون شیراز به ارتفاع دو متر در ازاره آن و دور تا دور نمای بیرونی آن به کار رفته است (بهروزی، ۱۳۴۹: ۲۵۱-۲۵۲). کاشی‌های هشت گوش فیروزه‌ای و خشتی سی سانی با حاشیه‌ی برجسته گل و بوته بر بدنه ازاره امام زادگان سلطان سید اسحاق ساوه (قرن هفتم ه.ق) و همچنین بر مرقد ایشان (رجبی، ۱۳۷۴: ۱۶۲) و کاشی‌های فیروزه‌ای فام برجسته با نقش کشکولی داخل حرم امام زاده شاهزاده ابراهیم و شاهزاده محمد شهر رضا (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۹۰۴-۹۰۳) خودنمایی می‌کند، کاشی‌های خشتی هشت ضلعی کوکبی به تاریخ ۶۶۸ ه.ق با نقوش انسانی که در نوع خود بی نظیر است، در امام زاده شاهزاده اسماعیل قم (عقابی، ۱۳۷۸: ۱۳). و کاشی‌های کوکبی نوع شش ضلعی و مثلثی منقش به نقوش طلائی بر زمینه سفید از نفیس‌ترین کاشی‌های دوران مغول را بر روی ضریح امام زاده حبیب بن موسی کاشان (نیمه دوم قرن هفتم) قرار داده اند (ویلبر، ۱۳۴۶: ۱۲۲). بر بدنه بنای امام زاده سید علی نائین (اواخر قرن ۷ ه.ق) کاشی‌های ساخت نائین با اشعار فارسی نیز نقش بسته است (سلطان زاده، ۱۳۷۴: ۲۳۲).

به طور کلی در امام زاده‌های زیادی از دوره ایلخانی می‌توان کاشی را به عنوان عنصر مهم و تزئین اصلی بنا به وضوح مشاهده کرد و باید اذعان کرد که طی این دوره ساخت بناهای مذهبی از جمله مساجد و مقابر فزونی می‌یابد و استفاده از کاشی نیز بر روی بناها، چه به عنوان تزئین و چه به عنوان استحکام بنا به بالاترین درجه می‌رسد و سهم مقابر مذهبی، علی‌الخصوص آرامگاه‌های امامان و امامزادگان برای زینت یابی با کاشی‌کاری‌های متنوع، در کنار مساجد، در دوره ایلخانی از همه بیشتر بوده است.



تصویر ۷: اصفهان، امامزاده بابا قاسم، ۷۴۱ ه.ق، کاشی معرق سر در ورودی (حاجی قاسمی، ۱۳۸۹).

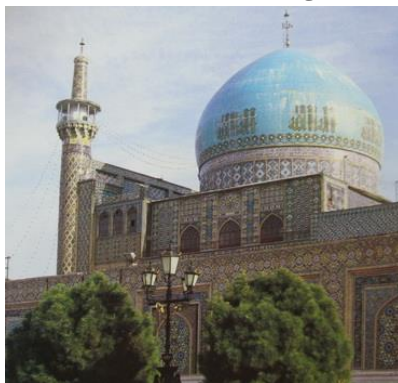
تیموریان نیز همانند ایلخانان به ایجاد بناهای مذهبی و غیر مذهبی علاقه نشان دادند و از نظر طرح و شیوه معماری، از نقشه‌ها و طرح‌های متداول و رایج دوره‌های قبل، بهره می‌بردند. بناهایی که بر روی قبور یا پیرامون آن‌ها برپا شد، تقریباً ۴۰ درصد کل بناهای دوره تیموری را به خود اختصاص می‌دهند (خلج، ۱۳۸۲: ۲۰۹). آمار مذکور نشان می‌دهد که ساخت بناهای مذهبی طی دوره تیموری کاهش یافته است و مقابر این دوره بیشتر مربوط به شخصیت‌های غیر مذهبی بوده است که از جمله مهم‌ترین این دسته از بناها می‌توان به گور امیر تیمور و گورستان شاه زند در سمرقند اشاره کرد. البته ساخت مقابر مذهبی نیز که اغلب قبر عارفان دینی و سالکان طریقت و صوفیان را دربر گرفته، نیز همچنان ساخته می‌شدند و مورد احترام مردم بوده‌اند اما به طور کلی طی این دوره با توجه به این‌که مذهب رو به تصوف می‌نهد، ساخت آرامگاه برای امامزادگان نیز کم و بیش ادامه پیدا می‌کند.

در دوره تیموری با رشد پیشرفت در کاشی‌کاری به شیوه معرق و فراگیر شدن آن، اکثر ساختمان‌های این دوره چه بناهای مذهبی و چه بناهای غیر مذهبی با این نوع از کاشی پوشش داده شده‌اند که بهترین نمونه‌های آن را می‌توان در گور امیر تیمور، مقبره گوهرشاد هرات و مسجد گوهرشاد مشهد مشاهده نمود. در اواخر این دوره نیز کاشی هفت رنگ کم کم جایگزین کاشی معرق شد. به جرأت می‌توان گفت که در هیچ دوره‌ای از ادوار قبل به اندازه دوره تیموری به پیرایش و آرایش

بنا چه در نمای داخلی و چه در نمای خارجی پرداخته نشده است. این آرایش و پیرایش از یک طرف در ارتباط با کاخ‌ها و عمارات تیموری همچون کاخ آق سراى و... بوده و از طرف دیگر در بطن کامل معماری مذهبی، همچون مساجد و آرامگاه‌ها بوده است.

مهم‌ترین تزئینات کاشی‌کاری این دوره مربوط به آستان قدس رضوی بوده است (تصویر)؛ در این دوره در سمت قبله حرم مطهر به سال ۸۲۱ ه.ق. نخستین مسجد جامع شهر مشهد به نام مسجد گوهر شاد برپا می‌گردد (تصویر ۸)، سپس بنای دارالحفاظ بین حرم و مسجد مذکور، دارالسیاده، بزرگ‌ترین رواق اطراف حرم واقع در مغرب دارالحفاظ و سرانجام تحویل خانه یا خزانه در مشرق دارالحفاظ برپا می‌گردد. در پیرامون مجموعه نیز در زمان شاهرخ، سه مدرسه پریزاد و بالاسر و دودر ساخته می‌شود و در زمان سلطان حسین بایقراء و به کوشش امیر علی شیرنویای صحن کهنه و اساس ایوان طلا به وجود می‌آید (عقابی، ۱۳۷۸: ۳۴۴-۳۴). که اغلب این بناها با کاشی‌کاری‌های معرق با انواع نقوش هندسی مختلف و طرح‌های اسلیمی، شاخ و برگ، گل و... پوشش داده شده بودند. در امام زاده فردوس مشهد از همین دوره که نسب او بنا به اعتقاد مردم به امام موسی بن جعفر (ع) می‌رسد، کاشی‌های زرد و آبی زینت بخش گنبد آن شده است (نوغانی، ۱۳۶۶: ۱۹۳). در بنای امام زاده شاهسواران کاشان با کتیبه‌هایی به تاریخ ۸۸۷، ۹۰۱ و ۹۰۳ ه.ق کاشی‌کاری پرکاربردتر شده و کاشی‌های فیروزه‌ای رنگ بر گنبد آن و کاشی منقوش ختایی با لعاب فیروزه‌ای بر روی کف در ورودی شرقی، نقش بسته است (ستوده، ۱۳۶۹: ۷).

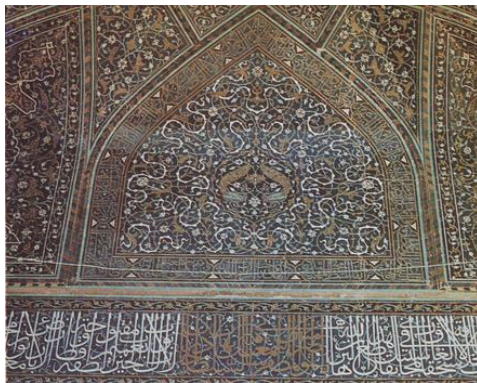
کاشی‌های مسدس لاجوردی با حاشیه سفید از قرن نهم هجری یعنی دوره تیموری بر بنده اتاق مرقد امام زاده عبدالله بافق (افشار، ۱۳۴۸: ۱۹۹). و بر روی جزوهای سر در ورودی و بالای سر در امام زاده علی قزوین نیز که قدیمی‌ترین تاریخ آن مربوط به دوره تیموری است، تزئینات کاشی با طرح‌های هندسی انجام گرفته است (ورجاوند، ۱۳۴۹: ۱۴۷-۱۴۳). در امام زاده صالح ساری نیز که قدیمی‌ترین تاریخ موجود در آن به سال ۸۴۶ و ۸۸۴ ه.ق است؛ در زمان ساخت احتمالاً کاشی‌های زیبایی داشته که امروزه باقی‌نمانده و از بین رفته است (کیانی، ۱۳۸۴: ۸۵-۸۳).



تصویر ۸: مشهد، حرم امام رضا (ع)، نمایی کلی از تزئینات

همانطور که از نظر گذرانده شد، مقابر مذهبی دوره تیموری نیز مزین به تزئینات کاشی‌کاری بوده‌اند و در مقابر نواحی شمالی کشور در این دوره نیز همانند ادوار قبلی، کاشی به ندرت مورد استفاده قرار گرفته و این مرتبط با شرایط آب و هوایی این منطقه بوده است که برای مثال می‌توان به امام زاده عباس، امام زاده عبدالرحمن منصور و ابراهیم و امام زاده عبدالله قاسم ساری و همچنین به امام زاده عبدالله بهشهر مربوط به همین دوره، اشاره کرد.

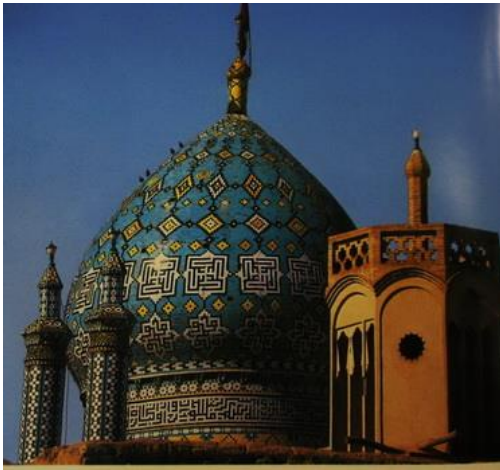
در دوره صفوی کاشی‌کاری جای خود را پیدا کرد و به اوج زیبایی و کارکرد خود رسید. در این دوره توفیقاتی که در زمینه کاشی‌سازی به دست آمد تا این حد بود که نفوذ دائمی خود را بر تزئین معماری از جهات فنی، غنای مجموعه رنگ‌ها و گسترش فهرست نگاره‌ها محفوظ دارد (فریه، ۱۳۷۴: ۲۸۶). و تا جایی پیش رفت که این هنر به درجه‌ای از شوکت، عظمت، فلسفه، اصول، خلاقیت، حکمت، ابداع و ارزش‌های بی‌پایان نایل آمد (زمشیدی، ۱۳۹۱: ۶۷). از آنجا که کاشی‌معرق از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نبود و مخارج زیاد و دقت بیشتری برای آماده شدن آن لازم بود، هنرمندان عصر صفوی [نقوش معرق را به طرز جالبی بر کاشی‌های مربع انتقال دادند و به نام کاشی هفت رنگ برای تزئین بناها استفاده کردند (ماهر النش، ۱۳۶۲: ۱۴)]. با وجود این کاشی‌معرق هم در اوایل دوره صفوی و هم در دوره‌های بعد مورد استفاده قرار می‌گرفت (تصویر ۹) و استفاده از کاشی هفت رنگ از زمان شاه عباس در بناها اعم از مذهبی و غیر مذهبی فزونی یافت.



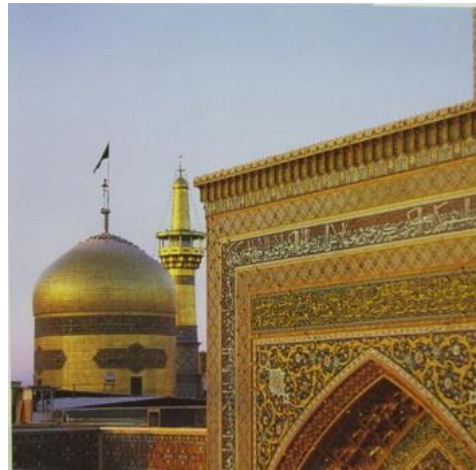
تصویر ۹: آرامگاه هارون ولایت، تزئین مدخل ورودی با کاشی معرق، اصفهان (فریه، ۱۳۷۴)

در دوره صفوی بهترین کاشی‌ها در مساجد باشکوه این دوره و در مرقد‌های متبرکه امام زادگان مورد استفاده قرار گرفت؛ صحن عتیق حرم امام رضا (ع) با کاشی‌کاری دوره صفوی (تصویر ۱۰) امروزه نیز چشم‌هر بیننده‌ای را به خود مشغول می‌سازد. ازاره داخل حرم شاهزاده حسین قزوین، فرزند امام رضا (ع)، نیز با

کاشی‌های خشتی هفت رنگ با کتیبه‌هایی به خط ثلث در زمینه لاجوردی مربوط به دوره صفوی، زینت داده شده، کاشی‌کاری پرشکوه این دوره گنبد و مناره مجموعه بناهای مذهبی مشهد اردهال و بقعه محمد هلال کاشان (تصویر ۱۱) را پوشانده شده است (کیانی، ۱۳۸۴: ۱۸۷ - ۱۷۸).



تصویر ۱۱: کاشان، بقعه محمد هلال، نمایی از تزئینات گنبد



تصویر ۱۰: مشهد، حرم امام رضا (ع)، نمایی از تزئینات ایوان و گنبد

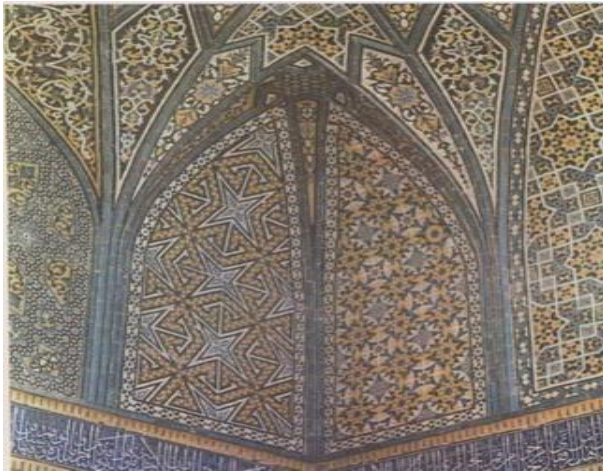
شاهان صفوی با تکیه بر مذهب تشیع و ملیت توانسته بودند قدرت را بدست بگیرند و کوشیدند خود را دوستدار اهل بیت (ع) نشان دهند، از این رو به شکوفایی زیارتگاه‌های امامان شیعه در عراق و ایران همت گماردند. دکتر غروی با اشاره به کم رنگ شدن سنت تصوف در دوره صفوی، می‌نویسد: «دوره آرامگاه‌سازی برای صفویان به پایان رسید و عصر امام‌زادگان فرا رسید و بسیاری از امام زاده‌های موجود در ایران موجودیت فراموش شده خود را باز یافتند (غروی، ۱۳۷۶: ۱۶۴)

با توجه به این‌که هنر تزئینی و اصلی معماری صفوی کاشی‌کاری بوده، امام زادگان این دوره نیز سراسر، چهره کاشی به خود می‌گیرند؛ تزئینات کتیبه‌های کاشی در امام زاده ابراهیم اصفهان و در امام زاده احمد اصفهان (اصل بنا مربوط به ۵۶۳ ه.ق) و همچنین در امام زاده اسماعیل اصفهان در نوع خود بی‌نظیرند؛ بر روی گنبد امام زاده اسماعیل قم (اصل بنا از دوره ایلخانی) کاشی‌های فیروزه‌ای عصر صفوی نقش بسته و مناره‌های امام زاده اسماعیل ساوه نیز به دست هنرمندان عصر صفویان با کاشی زینت داده شده است کاشی‌کاری معرق در کنار کاشی‌های معقلی و کاشی‌های هفت رنگ صفوی در هماهنگی بی‌نظیری با یکدیگر، بنای امامزاده ابو احمد قم را پوشانده‌اند (فیض، ۱۳۵۰: ۶۱۶). و امام زاده شاهزاده حسین قزوین (قرن ۹ ه.ق) همانطور که ذکر شد، اوج هنر کاشی‌کاری صفوی را به نمایش در آورده است.

با سقوط صفویان و روی کار آمدن زندیان عمارت‌سازی به ویژه در شیراز از سر گرفته شد و تزئیناتی که در بناهای این دوره به کار می‌رفت، همان سبک و اصول دوره صفویه، اما با کیفیت نازل تر بود. با روی کار آمدن قاجاریه با وجود آنکه قاجاریه بر خلاف صفویه، حکومتی غیر دینی بود. سیر تکامل فرهنگ تشیع در مردم ایران ادامه یافت و دوره قاجاریه با همه مشکلاتش برای مردم ایران دوره تکامل و بیداری بود (نرگسی، ۱۳۸۵: ۵۸). طی این دوره ارتباطات گسترده با غرب و تلاش کارگزاران دولتی در جهت غربی کردن فرهنگ، هنر و مذهب مردم، ایرانیان متعهد را از توجه به بزرگان دینی خود باز نداشت. به نوشته دیولافوا که در عصر قاجاریه از ایران دیدن کرده است: «علمای روحانی و پیشوایان مذهبی که عموماً آنها را مجتهد می‌گویند همیشه در نزد ایرانیان یک مقام و منزلت بسیار عالی داشته و دارند» (دیولافوا، ۱۳۹۰: ۵۹). تمامی عوامل طی دوره قاجار دست به دست هم داد تا در این دوره نیز مانند سایر ادوار اسلامی ایران، مردم بیش از پیش به ائمه اطهار متوسل شوند و در سایر نقاط، حتی در روستاها نیز مقابر زیادی مربوط به امام زادگان بنا شود و مورد زیارت عوام قرار گیرد. اهمیت امام‌زاده‌ها در این دوره نیز به مانند ادوار پیشین، تزئینات مفصل را موجب شد و کاشی‌کاری در این دوره نیز نقش اصلی را ایفا کرد.

در این دوره فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه تعدادی بناهای تاریخی با پوشش وسیع کاشی ساختند. از جمله روش‌های این دوره اجرایی شامل کاشی هفت رنگ زیر لعابی می‌شد که گاهی با طرح قالبی ترکیب می‌گردید (پورتر، ۱۳۸۱: ۸۱). هنرمندان دوره قاجار، صاحب سنتی تکامل یافته در صنعت کاشی‌کاری شده بودند که ضمن اشتغال، اجرای برنامه‌های ساختمانی حکام توسعه و کاربرد بیشتر یافت (زمرشیدی، ۱۳۹۱: ۷۲). در دوره قاجاریه کاشی‌سازان با الهام گرفتن از طبیعت، کاشی‌هایی با گل و برگ و رنگ‌های متنوع ساختند. در این دوره کاشی‌کاری به قدر دیگر هنرها پیشرفت نداشت اما در بعضی از نقاط ایران، توسط استادکاران کاشی‌های خوبی نیز ساخته می‌شد. از جمله می‌توان به کاشی‌کاری صحن آتابکی حرم حضرت معصومه (س) اشاره کرد و باید گفت که کاشی‌کاری این دوره ظرافت دوره‌های قبل را ندارد (ماهر النقش، ۱۳۶۲: ۱۶). در این دوره و دوره قبل از آن یعنی دوره زندیه رنگ‌های جدید به همراه آن طرح‌های جدید نیز وارد هنر اصیل کاشی‌کاری ایرانی شد، اما تمام عوامل موجود باعث آن نشد که نقش و نگار کاشی در معماری امام زادگان کمرنگ‌تر شود.

مقابر مذهبی دوره قاجار نیز همچون موزه‌های تنوع کاشی‌کاری و نقوش آن را به معرض نمایش درمی‌آورند. در این دوره به مانند دوره صفوی از هر دو نوع کاشی‌های هفت رنگ و معرق بهره می‌بردند. در حرم مطهر حضرت معصومه (ع) در ساختمان‌های شرقی و غربی و صحن جدید آن (صحن آتابکی) (تصویر ۱۲ و ۱۳) که مربوط به قاجاریان است و همچنین در بعضی قسمت‌های دیگر با کاشی هفت رنگ زینت داده شده و تالار ورودی به بقعه شاهزاده حسین قزوین نیز در زمان قاجاریه با تزئینات کاشی‌کاری اضافه شده است (کیانی، ۱۳۸۴: ۱۷۸) تصویر ۱۴ و ۱۵ در امام زاده ابوالحسن کرج از دوره قاجاری، کاشی‌های هفت رنگ در ایوان مقابل بقعه به کار گرفته شده است (ورجوند، ۱۳۴۹: ۱۱۵-۱۱۰). و در امامزاده شاهزاده احمد و علی حارث قم کاشی‌های معرق مربوط به زمان فتحعلی شاه قاجار زینت بخش دیوار‌های آن بوده است (عقایی، ۱۳۷۸: ۱۵۴).



تصویر ۱۳: قم، حرم حضرت معصومه، صحن اتابکی



تصویر ۱۲: قم، حرم حضرت معصومه، صحن اتابکی

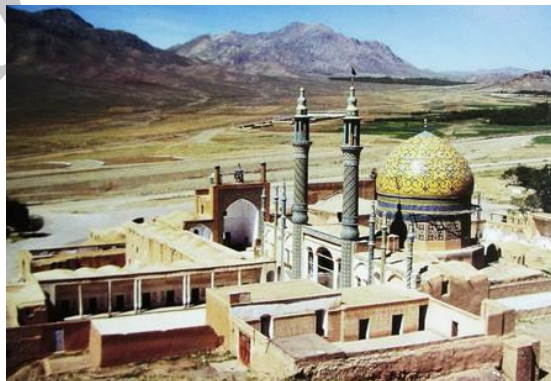


تصویر ۱۵: قزوین، تالار ورودی به بقعه شاهزاده حسین



تصویر ۱۴: قزوین، ورودی بقعه شاهزاده حسین

در امامزاده شاهزاده اسماعیل قم (اصل بنا از دوره ایلخانی) کاشی کاری دوره فتحعلی شاه بر روی مرقد شریف آن نقش بسته است. گنبد امامزاده حسن تهران مزین به کاشی های دوره قاجار بوده و امام زاده زید تهران نیز که در آن دوره بازسازی کامل بر روی آن صورت گرفته با کاشی پوشش داده شده است. امامزاده بکشلو یا امام زاده محمد و ابراهیم ارومیه، که مهم ترین امام زاده آذربایجان غربی است، کاشی های هفت رنگ دوره قاجاری زینت بخش آن بوده (هرچند که امروزه با کاشی های جدیدی مزین شده است) (معروفی اقدم، ۱۳۹۲: ۱۷۳). و بیشمار امام زاده این دوره و ادوار قبل را می توان نام برد که در دوره قاجار مرمت و بازسازی شده اند و کاشی بر بدنه آن ها به عنوان مهم ترین عنصر تزئینی خودنمایی می کند (تصویر ۱۶)



تصویر ۱۶: کاشان، امام زاده سلطان علی بن محمد باقر (ع)، تزئین گنبد با کاشی هفت رنگ، دوره قاجار (حاجی-قاسمی، ۱۳۸۹)

جایگاه هنر کاشی کاری در معماری ایرانی

شاخص ترین عنصر تزئینی در معماری اسلامی ایران کاشی است. کاشی کاری یکی از روش های تزئینی در تمامی سرزمین های اسلامی است که همراه با نقاشی دیواری و گچبری رنگ و طرح فراوان را برای مساجد، مقابر، کاخ ها و عمارت های شخصی به ارمغان می آورد. کاشی کاری دوران اسلامی از جمله آثار با ارزش هنری و فرهنگی باقی مانده از دنیای اسلامی است که در نبود اسناد مکتوب مصور، تصویری گویا از چگونگی تحول و توسعه هنرهایی چون نگارگری، خطاطی، کاربرد

تزیینات و رنگ‌ها را ارائه می‌نماید (پورت، ۱۳۸۱: ۸ - ۵). معماری ایرانی همواره توأم با تزیین بوده است؛ این ویژگی قرن‌ها در معماری ایران از دوره‌های پیش از اسلام دیده می‌شود و تا دوره قاجار تداوم دارد. در این میان، کاشی‌کاری با سابقه طولانی‌اش در سرزمین مان، نقش مهمی را در این زمینه ایفا کرده است. کاشی می‌تواند سلیقه‌های حامیان به وجود آورنده و هنر هنرمندان زمانه‌اش را بازگو کند. حتی می‌تواند، نشان دهنده کارکرد ساختمانی باشد که دیوارهایش، به این عنصر مزین شده است (کریمی، ۱۳۸۵: ۶۱). این هنر طی ادوار مختلف اسلامی زینت بخش بناها بوده و سیر تحولی و تکاملی خود را پیموده و تا به امروز شاهد استفاده مکرر آن بر بدنه اکثر بناهای مذهبی هستیم.

کاشی‌کاری را می‌توان هنری آسمانی نام گذاشت که همواره زینت‌بخش مکان‌های مذهبی از جمله معابد، مساجد، مقابر، حسیه‌ها و تکایا است. نگاهی گذرا به گذشته کاشی‌کاری نشان می‌دهد که این هنر در بدو شروع خود، در دوران قبل از اسلام در جهت تزیین بناهای مذهبی آن ادوار بوده است. تزیینات کاشی بروی ستون‌های معبد العبید در بین‌النهرین باقی مانده از نیمه دوم هزاره دوم ق.م، نشانه اولین کاربرد هنر کاشی‌کاری در معماری است در ایران نیز از آجرهای لعاب دار به کار گرفته شده در معبد چغازنبیل را می‌توان جزء اولین نمونه‌های کاشی به کار رفته در بنا به شمار آورد (کیانی، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

در مساجد ایران نیز توجه به تمام جزئیات فضای داخلی مثل رنگ، آرایه و میزان نور به دقت مورد توجه بوده است. طراحی هر فضا به تناسب عملکرد فضا صورت می‌گرفته است. شبستان‌های جنوبی با ارتفاعی معمولاً کمتر و طراحی متفاوت از سایر شبستان‌ها بوده‌اند و ایوان‌ها و ورودی‌ها معمولاً با دقت کاشی‌کاری می‌شدند. کاربرد آجر در معماری دوره سلجوقی بسیار رواج پیدا کرد و از انواع طرح‌های هندسی در آجر استفاده می‌شد. هنر آجر تراشی و تزیینی بنا با آجرهای تراشیده، از قرن پنجم قمری در ایران معمول بوده است. در کنار این تزیینات بسیار زیبای آجری، کتیبه‌ها و خطوط تزیینی، با استفاده از آجر تراشیده، یکی از ویژگی‌های معماری سلجوقیان است. شیشه‌های دوره اسلامی که آغاز آن (قرن هفتم و هشتم میلادی) قرن اول قمری است، از آمیختگی میان تمدن‌های امپراتوری روم شرقی (بیزانس) و پارت و ساسانی، در ایران حاصل شده است. با توجه به اشیاء شیشه‌ای کشف شده، این هنر در سمرقند، شهر ری، جرجان و نیشابور رونق بسزایی داشته است. وجود اشیاء متعلق به سده پنجم تا اوایل سده هفتم قمری حکایت از رونق صنعت شیشه‌گری در دوره سلجوقی می‌کند و با کشف اشیاء شیشه در جرجان و نیشابور می‌توان نواحی خراسان و گرگان را از جمله مراکز ساخت اشیاء شیشه‌ای دانست. در اوایل دوران اسلامی کاربرد گچ در تزیینات معماری، از جایگاه والایی برخوردار بود بطوریکه اغلب سطوح بناها را با آن اندود می‌کردند و روی آن را گچ‌بری رنگی تزیین می‌کردند.

در قرن پنجم هجری قمری، تغییراتی در ظاهر گچ‌بری‌ها پدیدار گشت که محصول خلاقیت و ابتکار بود. در این دوره گچ بری از نظر تنوع اجزاء به مرتبه حیرت‌انگیزی دست بافتو در اغلب موارد و در نحوه استفاده از گچ‌بری نیز تغییراتی پیدا شد به گونه‌ای که کم‌کم بطور موقت، گچ بری جای خود را به رشد عظیم آجرکاری دوره سلجوقی داد. اما این بدان معنا نبود که گچ‌بری جایگاه والایی خود را بطور کلی از دست بدهد چرا که وجود گچ بریهای بسیار غنی همچون گنبد علویان همدان موید این نکته است که گچ بری به موازات آجرکاری به پیشرفت و تکامل خود ادامه داد.

در دوره صفوی، تزیینات چوبی در بناهای غیرمذهبی دارای نقش اصلی بود و در آنها میزان بیشتری از تذهیب‌کاری و نقاشی‌های لاک‌ی استفاده می‌شد. طرح‌های آنها با هنر مینیاتور دارای رابطه نزدیکی بود. کنده‌کاری و خراطی به ویژه در درها و سقف‌ها خود هنر خاصی در این دوره بوده است. نقاشی‌های دیواری (فرسک) در کاخ عالی‌قاپو، قصر اشرف و چهلستون و همچنین آیینه‌کاری به عنوان نوعی تزیین جدید در بناها، مانند آیینه خانه، مورد استفاده قرار گرفته است. هنر کاشی‌کاری و همچنین شاهکارهای درخشان و پرچادبه هنر گچ‌بری پس از اسلام در ایران که از بناهای دوره سلجوقیان و ایلخانیان رواج یافت، در دوره صفویه به آخرین حد زیبایی و تکامل رسید. سه قسم کاشی‌کاری مهم در تزیین بناهای این دوره چشمگیر هستند: کاشی یکرنگ، کاشی موزاییک یا معرق و کاشی هفت رنگ. بناهای دوره صفوی که با این نوع کاشی‌کاری آرایش شده‌اند، در هیچ جای دنیا نظیر ندارند. نکته قابل توجه در تزیینات داخلی و خارجی بناهای سنتی ایران این است، که تزیینات جزئی از بنا بوده و هیچ‌گاه به صورت بزرگ و عنصری اضافی نبوده است حتی در دوره‌های سفت‌کاری و تزیینات هم زمان اجرا می‌شد. این میزان توجه به آرایه و تزیینات سبب ارتقای کیفیت فضاهای مورد استفاده بوده است. معماری کویری ایران به ویژه در خانه‌ها، به علت ماهیت درون‌نگرای آن سرشار از نمونه‌های بدیع و زیبای طراحی داخلی است که در آن ایجاد فضایی در تضاد با محیط کویری و القای حس زندگی و سرسبزی درون بنا از مهمترین اهداف معماران سنتی در طراحی داخلی بوده است. استفاده از شیشه، آئینه، گچ‌کاری و هنرهای ظریفه دیگر در تزیین و آرایه بندی فضا، تمام ملاحظات زیبایی‌شناسی، اقلیمی و حتی شرعی را نیز شامل می‌شده است به عنوان مثال شکل‌گیری آیینه‌کاری به عواملی چند بستگی داشته است. این عوامل عبارتند از:

۱ - نیاز به روشنایی موجب شد تا از آئینه برای تزیین استفاده شود. زیرا در این صورت با حداقل نور می‌توان روشنایی زیادی ایجاد کرد.
 ۲ - چون طبق دستورات دینی هنگام عبادت نباید چهره خود را در آئینه دید، آئینه‌ها به حال شکسته قرار گرفتند به نحوی که اگر چه در مقابل آن قرار گیرید نمی‌توانید چهره خود را ببینید.

۳ - علاقه به تزیین زیارتگاه‌ها موجب شد تلاش برای تزیین بکار رود.

۴ - چون بکارگیری تصاویر موجودات زنده اعم از انسان و حیوان در محل عبادت در اسلام در مقابل نمازگزار مجاز نیست تزیینات شکل هندسی بخود گرفت. این ویژگی‌ها آثار هنری آئینه‌کاری را در ایران بوجود آورد.

در دوران قاجاریه که به سبب تعاملات فرهنگی و مراودات سیاسی، معماری اروپایی به جای معماری ایران در ساختمان‌های دولتی و برخی کاخ‌ها الگو قرار گرفت، توجه به هنرهای ظریفه افزون شد. نمونه‌های زیبایی از پنجره‌های رنگی، گچ‌کاری و آئینه‌کاری را می‌توان در خانه‌های به‌جامانده از دوران قاجار به ویژه در کاشان یافت. خانه بروجردی‌ها به عنوان یکی از بهترین آثار معماری ایران سرشار از خلاقیت‌های هنرمندان سنتی ایران است.

معماری کاشی در آسیای صغیر

برای آغاز کار هیچ‌جا شایسته‌تر از شهر کهن دمشق با آن همه آثار تاریخی و موارث هنری نیست. از جلوه‌های هنری تاریخی دمشق، مسجد جامع آن است که بر جای پرستشگاه زوپیتر خدای خدایان رومیان ساخته شده است. این مسجد بر پایه نقشه قدیم یعنی مستطیلی بود که وسعت بسیار داشت و خلیفه، برای بر پا داشتن زیباترین ساختمان جهان صنعتگران هندی، ایرانی، مصری و قسطنطنیه‌ای را به آنجا فراخوانده بود. محوطه معبد قدیم را حیاط کردند که در آن خلیفه در روزهای خاصی بار می‌داد. برج‌های کهن رومی را در گوشه‌های پرستشگاه تبدیل به منار کردند. پیرامون این حیاط را سرپناهی ستون‌دار پوشانده بود. بخش پایین

دیوارها با سنگ مرمر رنگین و برفراز آن با موزائیک‌های بس شگفت و زیبا آرایش شده بود. یکی از جهانگردان که در قرن ششم هجری به آن جا رفته و این موزائیک‌ها را دیده می‌گوید: «این موزائیک‌ها همه شهرهای جهان را نمایش می‌دهد و همه درختان آن سبز و زریں و سیمین هتند و از سطح آن گویی زر می‌چکد و می‌سوزد و دود می‌شود.» سر ستون‌ها با زر پوشیده شده و دیوارهای بالای آن با موزائیک که در پرتو صدها قندیل می‌درخشید آرایش گشته بود. پس از بر افتادن امویان، عباسیان دارالخلافه را به بغداد منتقل ساختند. صدهزار کارگر در مدت چهار سال شهر پرشکوه بغداد را به فرمان منصور ساختند. شیوه‌های هنری به زودی چنان در هم آمیخت که حریر بافان سوری در دمشق چه بسا از اندیشه صنعتگران این فن که در ایران بودند بهره می‌گرفتند و طرح‌هایی که کنده‌کاران بغدادی به کار می‌بردند به کارکننده کاران عاج در اسپانیا می‌آمد.

بغداد و قرطبه پایتخت اسپانیای اسلامی از یکدیگر صدها فرسنگ دور بودند اما با هم رقابتی سخت داشتند و چشم هم چشمی می‌کردند. مایه سرافرازی قرطبه، مسجد جامع آن بود که یکی از مسجدهای جهان و مقدس‌ترین جا در نظر مسلمانان مغرب به شمار می‌رفت. این مسجد اکنون کلیسا گشته است اما هنوز هم چون از حیاط پر درخت پرتغال به این ساختمان در می‌آیید به دشواری می‌توانید باور کنید که این جا کلیساست؛ چون به سوی جنوب گام برداریم از میان ردیف ستون‌هایی که عبدالرحمن دوم ساخته است می‌گذریم. آرایش طاق‌های کمانی بیشتر می‌شود و در میان آنها محراب را که فرورفتگی ژرفی است در دیوار جنوبی می‌بینید که از پیرامون آن طلاهای موزائیک‌ها می‌درخشند. طاق‌های کمانی پیشین محراب با زیبایی فراوان درهم گره خورده‌اند. در فضای میان آن‌ها قوس‌های کوچک زیبایی در کنار دیوار جنوبی شبستان ساخته شده است.

این آرایش‌ها کار هنرمندانی است که به فرمان حاکم روم خلیفه قرطبه که در پایان سده چهارم هجری فرمان می‌راند به کار گمارده شدند. این هنرمندان، محراب و فرورفتگی آن و طاق‌های کمانی را با روپوشی از گچ و مرمر سفید و نقش‌های گل و بته به شیوه اسلیمی آراستند. این شیوه در هنر اسلامی به هزارها گونه جلوه‌گر شده است. گل‌های دلپسند و زیبای اسلیمی در موزائیک‌های پیرامون طاق محراب، کار هنرمندان قسطنطنیه است که به فرمان امپراتور بیزانس و به خواهش حاکم، به قرطبه فرستاده شدند. طاق طرف راست محراب نیز که با موزائیک آراسته شده است محل مخصوص ورود خلیفه به مسجد بود. به هنگامی که قرطبه از جنگ خانگی رو به ویرانی می‌رفت، یک شهر اسلامی دیگر در گوشه‌ای از قلمرو اسلام استقلال یافت و دستگاه خلافتی در آن بنیاد گرفت. این شهر نوحاسته، قاهره بود که به دست خلفای فاطمی در سده چهارم هجری پایه گذاری شد و مرکز هنر گشت، چنان که با بغداد و قرطبه در روزگار عظمت آنها پهلو می‌زد. ولی دیری نپایید که قدرت خلفای فاطمی مانند خلفای عباسی رو به سستی نهاد. در اواسط سده پنجم هجری، ترکان سلجوقی از آسیای میانه رو به سوی سرزمین‌های اسلامی آوردند و بر این کشورها تاختند. سپاه ترکان نیروهای امپراتور بیزانس را در هم شکست و بیشتر آسیای صغیر را فتح کرد. در همان سال مصریان را از فلسطین راندند و شهر مقدس اورشلیم را گرفتند. ترکان متعصب از آمدن زائران مسیحی به شهر اورشلیم جلوگیری کردند که موجب آغاز جنگ‌های صلیبی گردید.

در درون دیوارهای شرق شهر، مقدس‌ترین جایگاه مسلمانان یعنی حرم قرار داشت. از این جا بود که محمد صلی الله علیه و آله وسلم به معراج رفت و در میان حرم، صخره مقدس بود که ابراهیم فرزندش را بر آن برای قربانی کردن آماده کرد. در سال (۶۹۰ ه. ق) عبدالملک خلیفه اموی بر آن شد که بر فراز این صخره گنبدی پرشکوه بسازد که با گنبد کلیسای قبر مقدس عیسی برابری کند که ساخته شد. باز یک مسجد بزرگی در جنوب حرم ساخته شد که مسجد الاقصی نام کردند. صلیبیان با آن که به اسلام به دیده نفرت می‌نگریستند، از دیدن گنبد الصخره به حیرت افتادند. هرگز ساختمانی همانند آن را ندیده بودند. دیوار هشت گوش و گنبدی که بر فرازش استوار است همه با موزائیک پوشیده شده و سراسر این ساختمان در آفتاب همچون کلاهی آراسته به گوهر می‌درخشید. مسیحیان به جای ویران کردن، این مسجد را به کلیسا تبدیل کردند. آنان چنان شیفته این گنبد شدند که همین الگو را در ساختن بسیاری از کلیساهای اروپا به کار بستند. صلاح‌الدین ایوبی به سال (۶۱۳ هـ) اورشلیم را گرفت، پیروانش نشان‌های مسیحیان را از مسجد الاقصی و قبه الصخره کنند و به فرمان صلاح‌الدین آرایش‌های فراوانی بر این مسجد افزودند و دیوارهای درون مسجد را با زر، موزائیک‌کاری کردند. صلاح‌الدین محرابی دیگر در مسجد ساخت و از حلب جهت آن منبری از چوب سدر آوردند. این منبر را ساخته بودند که چون اورشلیم گشوده شود به این مسجد بیاورند. صلاح‌الدین پوشش زرین گنبد را تجدید کرد.

در اواسط قرن دهم هجری، سلطان سلیمان قانونی، نیرومندترین فرمانروای سراسر جهان اسلام شد. قبله‌گاه این امپراتوری استانبول بود. جهانگردان از مشرق و مغرب به آن جا رو می‌آوردند ولی هر کس که استانبول را می‌دید، شیفته زیبایی‌های آن می‌شد. سلطان سلیمان با ثروت بیکران امپراتوری، از همه سلاطین و وزیران پیشین در ساختن بناهای زیبا و بزرگ پیشی گرفت و معمار او، سنان پاشا مردی نابغه بود. سنان به فرمان سلطان، مسجد سلیمانیه را پی‌ریزی کرد. جای این مسجد در سومین و بلندترین تپه شهر بود. در سال ۹۶۸ هجری که این شاهکار به پایان رسید، سنان دست به کار ساختن مسجدی خردتر شد به نام رستم پاشا، داماد وزیر اعظم سلطان. در جلو شبستان پیش آمدگی است که پنج گنبد بر روی آن ساخته‌اند و دیوار آن با سطح‌ها و فرورفتگی‌های آرایش شده با کاشی‌های لعابی درخشان آراسته شده است. درون مسجد نیز با همین کاشی‌ها آرایش گشته.

هنر این ساختمان در آرایش آن است نه در معماری؛ دیوارها و تیرهای سقف که سنگینی گنبد بر روی آنهاست، با کاشی پوشیده شده است. این کاشی‌ها مانند باغی پر از گل‌های زیبا به رنگ‌های فیروزه‌ای و آبی پررنگ و نارنجی بر زمینه سفید است. در سطح‌های مستطیلی پیرامون برآمدگی مسجد، کاشی‌های چهارگوش را چنان در کنار هم جای داده‌اند که نقش آن‌ها با هم می‌خواند و تصویرهای کاملی از آلوی پر گل در میان گل‌های لاله و میخک و یاس به دست می‌دهد. گفته‌اند که در مسجد رستم پاشا چهل و یک نوع لاله رسم شده است.

هنر سفالگران و کاشی‌سازان ترک به هنگامی که این مسجد ساخته می‌شد به منتهای پیشرفت رسیده بود. شیوه کهن رنگ طلایی و موزائیک با کاشی ریز به کناری نهاده شده بود و اکنون کاشی‌های چهارگوش را با رنگ‌های روشن، نقاشی می‌کردند و لعابی پر جلا به آن می‌زدند. در کارگاه‌های ایزنیک، نزدیک استانبول، هم سفالگری و هم کاشی‌سازی رواج دارد. کاشی‌های ساخت ایزنیک، خانه‌های بزرگان ترک و کاخ سلاطین را آرایش می‌داد. امروزه در سرای سلطان می‌توان اتاق‌هایی را که از کف تا سقف از کاشی پر نقش پوشیده است تماشا کرد. چندین قرن این کاشی‌ها از دیدگاه مردم پنهان بود.

نتیجه

شکوه، عظمت و زیبایی معماری اسلامی ایران و حتی معماری قبل از اسلام، بیش از هر چیز به تزیین و آرایش آن بستگی دارد. هنرهای والای اسلامی، چه هنرهای تزئینی و چه هنرهای کاربردی، دارای اهمیت و اعتبار ویژه ای است؛ این اهمیت و اعتبار زمانی به اوج خود می‌رسد که هدف، ساخت یک بنای مذهبی و ارج دادن به آن باشد. در میان تمامی بناهای مذهبی، مقابر و به طور اخص امام زادگان در کنار مساجد، مهم‌ترین بناهای ایران اسلامی به شمار می‌آیند. با توجه به این که کانون اصلی تشیع، ایران بوده و از طرف دیگر با توجه به آراء و افکار و اعتقاداتی که مذهب تشیع در ارتباط با امامان و اولیاء و ایجاد بنا بر روی قبور آن‌ها دارند، حضور این همه امامزاده تا حد زیادی قابل توجیه و امری مسلم است. اهمیت و توجه خاص به این دسته از بناها، موجب شده تا در هر دوره از ادوار اسلامی ایران، هنری جهت آرایش آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد که در شأن امامزادگان بوده و مهم‌ترین زینت، آن دوره اسلامی باشد.

منابع:

- ۱- اتینگهاوزن، ریچارد. (۱۳۶۵). ایلخانان. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- ۲- افشار، ایرج. (۱۳۴۸). یادگارهای یزد. ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- ۳- برند، باربارا. (۱۳۸۳). هنر اسلامی. ترجمه: مهناز شایسته فر، تهران: انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- ۴- بهروزی، علینقی. (۱۳۴۹). بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه فارس. شیراز: انتشارات اداره کل فرهنگ فارس.
- ۵- پورتر، ونیتیا. (۱۳۸۱). کاشی‌های اسلامی، ترجمه: مهناز شایسته فر، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۸۹). امامزاده و مقابر، جلد ۱، ۲، ۳، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۷- حاتم، غلامعلی. (۱۳۷۹). معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۸- دیباج، اسماعیل. (۱۳۴۵). آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان. تهران: انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
- ۹- دیولافوا، ژن. (۱۳۹۰). سفرنامه مادام دیولافوا. ترجمه: همایون فره وشی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- ۱۰- رفیعی مهر آبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- ۱۱- ستوده، منوچهر. (۱۳۶۹). گزارشی از امامزاده شاهسواران کاشان. تهران: اطلاعات.
- ۱۲- سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۴). نائین شهر هزاره‌های تاریخی. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۱۳- عقایی، محمد مهدی. (۱۳۷۸). دایره المعارف بناهای تاریخی دوره اسلامی (بناهای آرامگاهی). تهران: انتشارات سوره.
- ۱۴- غروی، مهدی. (۱۳۷۶). آرامگاه در گستره‌ی فرهنگ ایرانی. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۱۵- فریه، ر. دبلیو. (۱۳۷۴). هنرهای ایران. ترجمه: پرویز مرزبان. تهران: انتشارات نشر پژوهش‌های فرزانه روز.
- ۱۶- فیض. (۱۳۴۹ و ۱۳۵۰). گنجینه‌ی آثار قم. ج ۱ و ۲، بی‌جا: انتشارات مهر استوار.
- ۱۷- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۸۴). تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
- ۱۸- گدار، آندره. (۱۳۶۷). آثار ایران. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۹- ماهر نقش، محمود. (۱۳۶۲). طرح و اجرای نقش در کاشی کاری ایران دوره اسلامی. تهران: انتشارات موزه رضا عباسی.
- ۲۰- مختارانی، پانته آ و سحر مختارانی. (۱۳۷۶). آرایه‌های معماری ایران، تهران: نشر توکا.
- ۲۱- معروفی اقدم، اسماعیل. (۱۳۹۲). مقابر آذربایجان از صدر اسلام تا دوره قاجار. تهران: انتشارات سمیرا.
- ۲۲- ورجاوند، پرویز. (۱۳۴۹). سرزمین قزوین. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- ۲۳- ویلبر، دونالد. (۱۳۴۶). معماری ایران در عصر ایلخانان. ترجمه: عبدالله فره یار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۴- ویلبر، دونالد. (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان. ترجمه: عبدالله فره یار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۵- هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۳). معماری اسلامی. ترجمه ایرج اعتصام. تهران: انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری شهرداری تهران.
- ۲۶- خلیج، محمد رضا. (۱۳۸۲). پژوهشی در معماری آرامگاهی مذهبی شهر قزوین. پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه تهران.
- ۲۷- خزائی، محمود. (۱۳۸۲). مجموعه مقالات اولین همایش اسلامی. چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۸- رجبی، سید صفر. (۱۳۷۴). ساوه دو مسجد و یک مزار تاریخی. فصلنامه مشکوه، شماره ۴۶.
- ۲۹- رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۵۸). رابطه دین و دولت در دوره معاصر (صفویه و قاجاریه). فصلنامه پژوهش انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶ و ۳۰- زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۱). سیر تحول کاشی‌کاری در آثار معماری دوره صفویه تا امروز. فصلنامه معماری ایرانی، شماره ۲.
- ۳۱- کریمی، اعظم. (۱۳۸۵). بررسی نقش‌های کاشی‌کاری مجموعه‌ی کاخ گلستان. مجله رشد آموزش هنر، شماره ۷.
- ۳۲- کیانی، فاطمه. (۱۳۹۰). درآمدی بر هنر کاشی کاری ایران. مجله ماه هنر، شماره ۱۵۳.
- ۳۳- معروفی اقدم، اسماعیل و محمودی نسب، علی اصغر. (۱۳۹۲). معرفی مقبره امامزاده قاسم عجب شیر و مقایسه‌ی کاشی‌های آن با گنبد غفاریه. مجموعه مقالات همایش باستان شناسی بیرجند.
- ۳۴- نوغانی، احمد. (۱۳۶۶). آثار تاریخی شهر فردوس. فصلنامه مشکوه، شماره ۱۷.
- ۳۵- یوسفی آبکسری، سپنتا. (۱۳۷۹). بررسی بناهای عصر صفوی در کرج. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.